

در ایام عید

صلوة الخاشعين



شہید محراب
آیت اللہ سید عبدالحسین دستغیب رحمۃ اللہ علیہ

www.ketab.ir

سوشناسه: دستغیب، سید عبدالحسین، ۱۲۹۲ - ۱۳۶۰.

عنوان و نام پدیدآور: صلاة الناشعین / عبدالحسین دستغیب.

وضعیت ویراست: ویراست ۲.

مشخصات نشر: قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۷.

مشخصات ظاهری: ۱۷۱ ص.

۹۷۸ - ۹۶۴ - ۴۷۰ - ۲۲۶ - ۶

شابک:

ISBN 978 - 964 - 470 - 226 - 6

وضعیت فهرست نویسی: برون سپاری.

یادداشت: چاپ قبلی: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۱

(۱۴۲ ص).

یادداشت: چاپ چهاردهم.

یادداشت: کتابنامه: ص. ۱۵۹ - ۱۶۲؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع: نماز.

شناسه: رده جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی.

رده بندی کنگره: ۱۳۸ / ۵۵ / ۱۸۶ / ۵۵ BP

رده بندی دیویی: ۲۹۱ / ۲۳

شماره کتابشناسی ملی: ۱۸۶۱

صلاة الناشعین

- مؤلف: شهید محراب آیه الله محمد عبدالحسین دستغیب رحمته الله
- موضوع: نماز
- قطع: رقعی
- نوبت چاپ: بیست و نهم
- چاپ و نشر: دفتر انتشارات اسلامی
- تعداد مجلدات: یک جلد
- تعداد صفحات: ۱۷۲
- تاریخ انتشار: تابستان ۱۳۹۵
- شمارگان: ۳۰۰۰

پیشگفتار

پس از بعثت حضرت خاتم الانبیاء محمّد ﷺ نخستین عبادتی که تشریح گردید، «نماز» بود و اهمیت آن کم و بیش بر مسلمانان پوشیده نیست.

کتابهای روایی پر از مطالبی است که همه از اهمیت فوق العاده آن خبر می دهند و آن را بهترین کار (بیر موضوع) و اسباب قرب برای هر پرهیزگار و معراج مؤمن دانسته اند.

به راستی بهترین تعریف را از تعبیر آن مجید باید فهمید که می فرماید: «به درستی که نماز، انسان را از هر کار قبیح و نابایستی باز می دارد» (۱).

یعنی حقیقت نماز، شخص نمازگزار را اصلاح می کند و از آلوده شدن به فحشا و منکر، باز می دارد.

سید بحر العلوم در منظومه فقه خود، این آیه را برترین ستایشها از نماز دانسته و می فرماید: «دیگر کافی است و بالاتر از این سخن نتوان گفت» (۲).

۱ - ﴿... إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ...﴾ عنکبوت: ۴۵.

۲ - تنهى عن المنكر والفحشاء اقصر فذاك منتهى الشاء (الدرة النجفیه / فصل

برترین مقربها و لزوم محافظت آن

در روایتی از حضرت صادق علیه السلام از برترین چیزی که بندگان به واسطه آن به خدا تقرب می جویند، می پریند، حضرت می فرماید: «پس از شناسایی خداوند، از نماز، برتری سراغ ندارم. آیا نمی بینی بنده نکوکار، عیسی بن مریم علیه السلام گفت: خداوند به من سفارش نماز را فرمود» (۱)

و رسول خدا از برترین کارها پرسیده شد، فرمود: «نماز در اول وقتش» (۲)

در قرآن مجید نیز صریحاً امر به محافظت بر نمازها فرموده (۳) و وقت نمازهای پنج گانه را به سه مرتبه تفسیر از اهل بیت علیهم السلام مشخص فرموده است (۴)

از رسول خدا صلی الله علیه و آله مروی است که می فرماید: «نیست بنده ای که به اوقات نماز و مواضع خورشید (طلوع، زوال، غروب آفتاب را به جهت نماز) اهتمام داشته باشد مگر این که من ضمانت می کنم برایش راحتی

۱ - سئل معریة بن وهب ابا عبدالله علیه السلام عن أفضل ما يتقرب به العباد الى ربهم فقال ما أعلم شيئاً بعد المعرفة أفضل من هذه الصلوة الا ترى ان ابا عبد الصالح عیسی بن مریم علیه السلام قال: وأوصانی بالصلوة (سفينة البحار: ۲ / ۴۲).

۲ - سئل النبي صلی الله علیه و آله عن أفضل الأعمال قال: الصلوة لأوّل وقتها (سفينة البحار: ۲ / ۴۳).

۳ - ﴿حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ...﴾ بقره: ۲۳۸.

۴ - ﴿أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِكِ السَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ

الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا﴾ اسراء: ۷۸.

نزد مرگ را و بر طرف شدن غصه‌ها و اندوه‌ها و رستگاری از آتش را» (۱)
 همچنین از رسول خدا ﷺ رسیده که می‌فرماید: «تا انسان مواظب
 نمازهای پنج‌گانه در اوقاتش می‌باشد، شیطان از او برکنار است، پس
 وقتی آنرا ضایع ساخت (نمازها را در اوقاتش نخواند) شیطان بر او
 حجت نموده او را به گناهان بزرگ وامی‌دارد» (۲)

و نیز رسول خدا ﷺ در پاسخ ابن مسعود که از دوست داشتنی‌ترین
 کارها بر خدا پرسید، فرمود: «نماز در وقتش» (۳)
 حضرت مسدق می‌فرماید: «شیعیان ما را نزد اوقات نماز
 بیازمایید که در محافظت نمازها چگونه‌اند» (۴)
 یعنی اگر راستی شیعه‌اهل بیت هستند، باید در محافظت بر نمازها به
 خصوص در اول وقت، شباهتی با ایشان داشته باشند.

اهتمام علی علیه السلام به نماز اول وقت در صفین

نمونه‌ای از آنرا - که از کتاب «ارشاد القلوب» در بی‌نقل شده

- ۱ - عنه ﷺ ما من عبد اهتم بمواقیت الصلوة ومواضع التَّوَسُّلِ الاضمنت له الروح عند الموت وانتفاع الهموم والاحزان والتَّجاة من النَّار (سفينة البحار: ۴۳/۲).
- ۲ - عنه ﷺ قال لا يزال الشيطان هائبا لابن آدم ذعرا منه ما صلى الصلوات الخمس لوقتهن فاذا ضيعهن اجترء عليه فادخله في العظام (سفينة البحار: ۴۳/۲).
- ۳ - ابن مسعود قال سئلت رسول الله ﷺ اى الاعمال احب الى الله عز وجل قال الصلوة لوقتها (سفينة البحار: ۴۳/۲).
- ۴ - قال ابو عبدالله عليه السلام امتحنوا شيعتنا عند مواقیت الصلوة كيف محافظتهم عليها (سفينة البحار: ۴۴/۲).

است - در این جامی آوریم:

«هنگامی که علی علیه السلام در جنگ صفین سرگرم نبرد بود، در میان هر دو صف کاززار، مواظب وضع آفتاب بود (تا ببیند کی ظهر می شود و نماز ظهر را بخواند).

ابن عباس عرض کرد: یا امیرالمؤمنین! این چکاری است؟ فرمود: منتظر زمان هستیم تا نماز بخوانیم.

ابن عباس گفت: آیا حالا وقت نماز است با این سرگرمی به جنگ؟ حضرت فرمود: ما چرا با ایشان می جنگیم؟ تنها به خاطر نماز با آنان نبرد می کنیم» (۱).

چون شعار دین و منظر اسلام در خارج، نماز است. حقیقت دین نیز - که بندگی خداست - در نماز است؛ لذا با کثرت حقیقی و منافقین چون معاویه و اتباعش برای برپا داشتن نماز نبرد می کرد.

از میان عبادات، نماز در زیادتی احکام نماز است؛ یعنی به قدری اهمیت دارد که چهار هزار حکم به فرموده حضرت صادق علیه السلام دارد. (۲) و شهید - علیه الرحمه - در تفسیری بر واجبات و مستحبات نماز،

۱ - لَمَّا كَانَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ أَفَى حَرْبِ صَفِّينَ مَشْغُولًا بِالْحَرْبِ وَالْقِتَالِ وَوَجَّهَ ذَلِكَ بَيْنَ الصَّفِّينِ يَرِاقِبُ الشَّمْسَ فَقَالَ لَهُ ابْنُ عَبَّاسٍ: يَا امِيرَ الْمُؤْمِنِينَ! مَا هَذَا الْفِعْلُ؟ قَالَ انظُرْ إِلَى الزَّوَالِ حَتَّى نَصَلِيَ. فَقَالَ لَهُ ابْنُ عَبَّاسٍ: وَهَلْ هَذَا وَقْتُ الصَّلَاةِ أَنْ عِنْدَنَا لَشِغْلًا بِالْقِتَالِ عَنِ الصَّلَاةِ. فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: عَلِيُّ مَا تَقَاتَلَهُمْ؟ إِنَّمَا نَقَاتَلُهُمْ عَلِيُّ الصَّلَاةِ (سفينة البحار: ۲ / ۴۴).

۲ - قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لِلصَّلَاةِ أَرْبَعَةٌ أَلْفٌ حُدُودٌ وَفِي رِوَايَةٍ أَرْبَعَةٌ أَلْفٌ بَاب (سفينة البحار: ۲ / ۴۳).

واجباتش را هزار عدد تقریباً قرار داده و کتابی به نام «الفیه» را در
واجباتش تصنیف کرده است و مستحبات نماز را دو هزار شمرده و کتاب
نفلیه‌اش را در این باره نوشته است. (۱)

وادر کردن کودکان به نماز

در قرآن مجید می‌فرماید: «خانواده‌ات را به نماز وادار». (۲) و در
سوره بقره رخصه مؤمنین می‌داند که: «خودشان و خانواده‌شان را از
آتش دوزخ نگاهدارند». (۳)

بدیهی است یکی از واجبات عذاب، ترک نماز صحیح است؛ لذا
باید مؤمنین از همان دوران خردسالی، فرزندانشان را به نماز وادارند تا با
تمرین کردن، نماز برایشان آسان شود و به حد بلوغ که می‌رسند، برایشان
عادی باشد.

از حضرت رسول ﷺ مروی است که: «بچه‌هایتان را وقتی هفت
ساله شدند، به نماز وادارید و اگر تا نه سالگی نمازخوان نشوند، آنان را
بر ترک نماز بزنید». (۴)

البته اگر بازدن، نمازخوان بشود، آن‌هم پس از گذشتن دو سال که با
تشویق یا سرزنش نمازخوان نشد، با رعایت طرز تنبیه که نباید به قسمی

۱ - سفینه البحار: ۲ / ۴۳. ۲ - ﴿وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ...﴾ طه: ۱۳۲.

۳ - ﴿يَتْلُوهَا الَّذِينَ آمَنُوا قَوْمًا أَنفُسُهُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا...﴾ تحریم: ۶.

۴ - عن النبي قال: مَرُوا صِبْيَانَكُمْ بِالصَّلَاةِ إِذَا بَلَغُوا سَبْعَ سِنِينَ وَاضْرِبُوهُمْ

عَلَى تَرْكِهَا إِذَا بَلَغُوا تِسْعًا... (سفینه البحار: ۲ / ۴۵).

بزند که دیه لازم بیاید، یعنی جای زدن سرخ یا سیاه شود.

از حضرت باقر علیه السلام مروی است که: «نخستین چیزی که از بنده بازخواست می شود، نماز است. اگر پذیرفته شد، جز آن نیز پذیرفته می گردد».

اگر نماز در وقت خودش خوانده شود و صورت ملکوتی آن بالا رود به سوی صاحبش بر می گردد در حالی که سفید و نورافشان است، می گوید: «مرانگه داشتی، خداوند تو را نگه دارد و اگر بالا رود و در غیر وقتش و چون نیت احکامش، به سوی صاحبش بر می گردد در حالی که سیاه و تاریک است و می گوید: مرا ضایع ساختی، خداوند ضایع گرداند».

تهدیدهای سهمگین برای ضایع کردن نماز

در قرآن مجید نسبت به بعضی از مرام، علت جهنمی شدنشان را یا ترک نماز به طور کلی^(۲) دانسته، ضایع ساختن نماز شمرده است.^(۳)

کسانی که نماز را سبک می گیرند، هرچند به طور کلی هم ترک

۱ - اول ما يحاسب به العبد الصلوة فان قبلت قبل ما سواها ان الصلوة اذا ارتفعت في وقتها رجعت الى صاحبها وهي بيضاء مشرقة تقول حفظتني حفظك الله واذا ارتفعت في غير وقتها بغير حدودها رجعت الله الى صاحبها وهي سوداء مظلمة تقول ضيعتني ضيعك (سفينة البحار: ۲ / ۴۴).

۲ - «قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ» مدثر: ۴۳.

۳ - «فَخَلَّتْ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ...» مریم: ۵۹.

نکنند؛ ولی اهتمام به آن و صحیح خواندن آن نمی دهند، برای ایشان نیز وعده های عذاب در قرآن^(۱) و اخبار رسیده است، از آن جمله از شفاعت اهل بیت علیهم السلام بی بهره است و پیغمبر صلی الله علیه و آله او را از آتش نمی شمارد و سوگند می خورد که هر حوض کوثر بر او وارد نخواهد شد. (۲)

در دنیا مشهور نسبت به کسانی که نماز را سبک گیرند چنین رسیده است که در عذابند. چنین کسی را به پانزده بلا مبتلا می سازد (که برخی مربوط به زندگی دنیا و بعضی مربوط به قبر و برزخ و پاره ای مربوط به قیامت می باشد):

برکت را از عمر روزی بر می دارد. و سیمای نیکوکاران را از چهره اش بر می برد. و هر کاری کند، پاداش داده نمی شود (بهره کافی از کار نیکو نمی برد). و بهره ای از دعای خوبان ندارد (دعای نیکان به مؤمنین شایسته اش نمی شود) با ذلت و گرسنگی و تشنگی می میرد. و خداوند مالکی در قبر مأمورش می فرماید تا او را شکنجه دهد. و گورش را بر او سنگ می فرماید و تاریکی در قبرش می باشد. و خداوند مالکی بر او مقرر می فرماید که بر صورتش او را می کشد، در حالی که مردمان به او می نگرند. و در حسابش سختگیری می شود. و خداوند به نظر لطف به او

۱- «قَوْلٌ لِّلْمَصَلِّينَ * الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ» ماعون: ۴-۵.

۲- قال صلی الله علیه و آله: لیس من استخف بالصلوة لا یرد علی الحوض لا والله

نمی‌نگرد. و او را پاک نفرموده برایش عذاب سختی است» (۱)(۲)

جایگاه خشوع قلب در نماز

آنچه گذشت شمه‌ای از اهتمام به ظاهر نماز و احکام آن بود؛ اما باطن و جان نماز - که راستی اسباب تقرب هر صاحب تقوایی است و معراج مؤمن و بهترین کار است - حضور ذهن و خشوع قلب در نماز است که منظور اصلی تألیف کتاب حاضر به خاطر پیدا شدن آن است.

اهل بیت علیهم‌السلام اگر کار و عمل خود، اهمیت حضور قلب در نماز را مکرراً گوشزد کرده‌اند.

از نماز حضرت سجاد علیه‌السلام - که به حق زین العابدین علیه‌السلام یعنی زینت بندگی کنندگان است - احادیثی نقل شده که در این جا تنها به دو روایت اکتفا می‌شود:

حضرت علی بن الحسین علیه‌السلام هنگامی که وقت نماز می‌رسید، پوست

۱ - النبوی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم: فیمن تهاون بصلوته ابتلاه الله بنحو عشر خصلة: یرفع الله البرکة من عمره و یرزقه و یمحو الله تعالی سیماء الضالعی من وجهه و کل عمل یمعله لا یؤجر علیه ولا یرتفع دعائه الی السماء و لیس له حظ فی دعاء الصالحین و یموت ذلیلاً و جائماً و عطشاناً و یوکل الله به ملکاً یزعجه فی قبره و یستعی عا قبره و تكون الظلمة فی قبره و یوکل الله به ملکاً یسحبه علی وجهه و یصلاتی یظفرون الیه و یحاسب حساباً شدیداً و لا ینظر الله الیه و لا یزکیه و له عذاب الیم (سفینة البحار: ۲ / ۴۳).

۲ - در کتاب کم نظیر «گناهان کبیره» تألیف مؤلف شهید آیه الله دستغیب، در گناه ترک نماز، این روایت مشروحاً بیان شده و همچنین روایات دیگر و مطالب جالبی که فوق‌العاده دانستن آنها نافع است - روانش شاد و یادش گرامی باد.

بدنش چروکیده می شد و رنگش می پرید و چون بید بر خود می لرزید. (۱)
 ابان بن تغلب گوید: «به حضرت صادق علیه السلام گفتم: دیدم علی بن
 الحسین علیه السلام را وقتی به نماز می ایستاد رنگش کاملاً دگرگون می شد.
 حضرت فرمود: علی بن الحسین علیه السلام می شناخت کسی را که در برابرش
 ایستاده است». (۲)

کیفیت، اقامه نماز از دیدگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم

در روایست که ستررات جالبی برای پیدا شدن حضور قلب از حضرت
 رسول صلی الله علیه و آله و سلم رسیده است کسی فرماید:

«نماز بخوان نماز شخصی که وداع می کند (آخرین نمازش
 می باشد) وقتی شروع به نماز می کنی بگو: این آخرین نماز من در
 دنیاست و چنین می باش مثل این که: به سرت برابرت و آتش زیر پایت
 و عزرائیل پشت سرت و پیغمبران در سرت رامت و ملائکه در سمت
 چپ هستند و پروردگار از بالای سرت بر حال تو ایستاده است، پس نگاه کن
 در برابر کسی ایستاده ای؟ و باکی مناجات می کنی؟ و کی با کسی نگرده؟» (۳)

۱ - كان علي بن الحسين عليه السلام اذا حضرت الصلوة اقمعه جلده واصفر لونه
 وارتعد كالشعفة (سفينة البحار: ۲ / ۴۵).

۲ - عن ابان بن تغلب قال: قلت لابي عبد الله عليه السلام: انسى رأيت علي بن
 الحسين عليه السلام اذا قام في الصلوة غشى لونه لون آخر فقال لي: والله ان علي بن
 الحسين عليه السلام كان يعرف الذي كان يقوم بين يديه (سفينة البحار: ۲ / ۴۵).

۳ - عن النبي صلی الله علیه و آله و سلم انه قال صل صلوة مودع فاذا دخلت في الصلوة فقل هذا
 آخر صلوتي من الدنيا وكن كأن الجنة بين يديك والنار تحتك وملك الموت ←

سید بحر العلوم در منظومه فقه خود در این زمینه اشعار جالبی دارد که ترجمه بعضی از آنها چنین است:

«بر تو باد مراعات حضور و اقبال قلب در همه گفته‌ها و کارهای نماز و همچنین راستی در نیت و عبادت که حقیقت نماز همین است. و از نماز بنده همان قدر پذیرفته است که در آن اقبال قلب داشته باشد. نماز را با خشوع و خضوع بر پادار و مانند کسی که با آن وداع می‌نماید، بخوان. با وقار و آرامش و معناهای پنهان آن را به خاطر داشته باش. مانند بنده ذلیل در برابر سلطان بزرگ، بایست و هنگامی که سخن می‌گویی، بدان با کی مناجات می‌کنی و کی می‌خواهی؟» (۱)

مخصوصاً در برخی روایات تصریح شده به چیزهایی که نمی‌گذارد نماز به حدّ قبول برسد؛ مثلاً شربخوار تا سهل روز نمازش پذیرفته نیست. یا مانع الزکوة؛ یعنی کسی که در پرداختن صدقات واجبش

و رواك والانبیاء عن یمینك والملائكة عن یسارك الرب مطلع علیك من فوقك (سفینه البحار: ۲ / ۴۵).

۱ - علیك بالخضوع والاقبال	فی جملة الاقوال والافعال
والصدق فی النیة والاخبات	فانها حقیقة الصلوة
ولیس للعبد بها ما یقبل	الا الذی كان علیه یمین
وصل بالخشوع والتخضع	وكن اذا صلیت كالمودع
واستعمل الوقار والسکينة	واستحضر المقاصد المكونة
وقم قیام المسائل الذلیل	منایین ایدی الملك الجلیل
واعلم اذا ما قلت ما تقول	ومن تحاجی ومن المستول

(الذرة النجفیة / کتاب الصلاة: ۱۵۵ و ۱۵۶).

خودداری می نماید و به طور کلی به مضمون آیه شریفه: «خداوند تنها از پرهیزگاران می پذیرد»^(۱) از گنهکاران پذیرفته نمی شود. یا کسی که در حال فشار بول و غیره و همچنین در حالت کسالت و خستگی و چرت می باشد، نمازش پذیرفته نیست.^(۲)

مؤلف بزرگوار و کتاب صلاة الخاشعین

کتاب حاضر، نخستین اثر شهید بزرگوار آیه الله سید عبدالحسین دستغیب است. وی در کودکی پدر را از دست داد و زحمت اداره خانواده بر دوش او افتاد. فشارهای مختلف، او را مردی بردبار و سخت کوش بار آورد. لطف الهی از همان دوران کودکی و سپس جوانی، دوستی دنیا را از دلش برکنند. آنچه در ۳۵ سالگی به نام «صلاة الخاشعین» نوشته وضع و حال خود را می نویسد که به رشته تحریر درآورده است.

راستی اگر خواننده عزیز با دقت و توجه کامل این کتاب را از اول تا آخر بخواند، پی می برد که مطالبش چگونه از دلی کتاب آمده از دوستی دنیا و سرشار از دوستی خدا و آخرت برخاسته است و راستی مؤلفش مصداق «سالی که نکوست از بهارش پیداست» می باشد.

۱- «... إِنَّمَا يَكْتَلِبُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ» مائده: ۲۷.

۲- قال أبو عبد الله عليه السلام: لا صلوة لحاقب ولا لحاقب ولا لحاقب. قال الحاقب الذي يه البول والحاقب الذي يه الغائط والحاقب الذي ضغله الخف (سفينة البحار: ۲/ ۴۶).

تمام سعیش بر این است که از آیات قرآن و اخبار اهل بیت علیهم السلام اتخاذ سند کند و برای مقدمه مطالب، یک دوره مختصر اصول دین را بیان می‌نماید.

مخالفت رژیم پهلوی با چاپ کتاب صلاة الخاشعین

خوسرئ برایم نقل فرمود: «نخست این کتاب مفضل بود، چقدر برای نوشتنش زحمت کشیدم و وقت صرف کردم؛ اما رژیم پهلوی (رضاخان) از چاپ آن ممانعت کرد و با اشکالهای غیر مربوطی که می‌گرفت و بهانه‌هایی که می‌تراشید، اجازه طبع آن را نمی‌داد.

عاقبت در سفری که به مشهد مقدس برای زیارت می‌رفتم، در تهران شخصاً به وزارت معارف (آموزش و پرورش و فرهنگ و هنر سابق) مراجعه کردم و با دفاعیات خودم، بجایی برای بهانه تراشیدهای آنان باقی نگذاشتم و بالأخره اجازه چاپ آن را گرفتم.

اما با نبودن بودجه برای چاپ و آن فشارها که در زمان رضاخان به روحانیت وارد می‌آوردند، تاجر مرحومی که حاضر شده بود این کتاب را به چاپ برساند، به واسطه هزینه زیاد آن معذرت خواست. لذا ناچار شدم کتاب را خلاصه کنم و خیلی از مطالب آن را حذف کنیم.»

خود آن شهید افسوس می‌خورد و می‌فرمود: «ای کاش! نسخه اصلی که نوشته بودم پیدا می‌شد.» و ما هم تأسف می‌خوریم ای کاش! نوشته ایشان که شاید سه برابر کتاب حاضر بوده در اختیارمان بود.

کتاب مزبور، با چاپ سنگی که برای آن روز خوب و برای امروز

بسیار نامرغوب است، در شعبان ۱۳۵۷ هـ. ق یعنی درست ۳۵ سال قبل در چاپخانه سعادت شیراز - که اکنون اسم و رسمی از آن نیست - از چاپ بیرون آمد.

مکژر برایم نقل کرده اند که نسخه های آن به سرعت نایاب گردید؛ حتی نام آنها نسخه ای از آن برای تجدید نظر و تجدید چاپ نیز به دست نیامد.

تجدید چاپ صلاة الخاشعین پس از شهادت مؤلف

فراموش نمی کنم چندی قبل از شهادتش، صبح اوّل وقت بود که به دیدارش رفتم. نشیمن جلوه ای که باگشاده رویی به من مژده داد، این بود که بالأخره نسخه «صلاة الخاشعین» را پیدا کردم. شادی بنده هم فوق العاده بود؛ چون می دانستم اثری باقی است که می تواند - ان شاء الله - مانند سایر آثار آ. رادمرد، مورد استفاده عموم قرار گیرد.

به اصرار بنده حاضر شدند که در آن تجدید نظر اضافاتی نمایند؛ اما مگر با این همه اشتغالات مختلف، مجالی برای این کار بود؟

اما شگفت این جاست که از عمر پربرکتش نیز این بهره را برد و از لابلای فرصتهای مختصری که پیش می آمد، این کتاب را ملاحظه می فرمود و هم اکنون یادداشتهای مختصری که در این نسخه نوشته است، در برابرم هست و گمان نمی کنم همه آن را ملاحظه فرموده باشد و مکژر به من می فرمود: «این کتاب را ببر و درستش کن و به چاپش برسان».

اصلاحات جزئی در کتاب صلاة الخاشعین

شکر خدای را که با این همه اشتغالات، پس از شهادت معظم له مرا موفق داشت که از اول تا آخر این کتاب را استنساخ نمایم و با تنظیم مطالب، تهیه عنوان برای آنها و تغییر بعضی از عبارات جهت روان تر شدن، با پاورقی، یا شرح در پراکنش، این اثر نفیس در اختیار عموم قرار گیرد بدهی است نسبت به چاپ نخستین امتیازات بسیاری را داراست.

تحلیلی منصرف از مطالب کتاب صلاة الخاشعین

مؤلف شهید در مقدمه، راجع به اصول دین و اهمیت توحید این طور می فرماید: «مال سر من خودی در رسیدن به هدف از آفرینش آن موجود است و کمال اندانیدن در خداشناسی و یکتاپرستی است که برای آن آفریده شده است»^(۱) زیرا عالمی که به انسان داده شده به دیگران نداده اند.

آن گاه با تدبّر و تعقل در آثار صنع و قیاس در مایه های بی پایان خداوندی چه در نفس خودش و چه دیگران،^(۲) به علم و قدرت بی نهایتش یقین پیدا می کند و در تمام عالم وجود، جز یک بعداً یک کارکن قابل نمی شود.

سپس با اشاره به این مطلب که خداوند حکیم هیچ گونه نیاز مادی مردمان از احتیاجات داخلی و خارجی بدن را فروگذار نفرموده و آن را

۱- «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» ذاریات: ۵۶.

۲- «سَتَرِيهِمْ ءَايَاتِي فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنفُسِهِمْ...» فصلت: ۵۳.

برطرف فرموده است، نتیجه می‌گیرد: «با این‌که روح به مراتب از جسم مهمتر و اصلاً جسم به خاطر روح آفریده شده است، چگونه از نشان دادن راه سعادت به بشر خودداری می‌فرماید؟»

با این مقدمه جالب نتیجه می‌گیرد: «حتماً باید خداوند متعال پیغمبرانی را برای راهنمایی بشر و معرفی قوانین الهی بفرستد تا آنچه به صلاح و خیرشان باشد به آن دستور دهد و از آنچه به زیانشان است آنان را بازدارد. آنگاه گواه صدق ادعایشان را معجزه مناسب با زمانشان قرارداد. چون حضرت محمد خاتم پیغمبران است، به او معجزه باقی عنایت کرد که تا قیام قیامت کسی نخواهد حقانیتش را دریابد، با توجه به فصاحت و بلاغت قرآنی می‌تواند این واقعیت را بفهمد».

سپس نمونه‌هایی مختصر و جوه مختلف اعجاز قرآن را ذکر می‌فرماید از قبیل: اخبار گذشتگان و خبری آینده و اصلاً احکام قرآن را معجزه می‌داند.

سپس به امامت امامان دوازده گانه به ویژه حضرت ولی عصر علیه السلام اشاره می‌فرماید و مخصوصاً یاد آور می‌شود که باید شیعیان در زمان غیبت، به آن حضرت ملتجی شوند و او را واسطه و شیع نزد خداوند قرار دهند.

از «عدل» به عنوان به کار بردن هر چیزی به جای خود یاد می‌کند و عدل خدا را در آفریدن و به اندازه توانایی تکلیف کردن و غیره می‌داند و به مقتضای عادل بودن خدا، معاد را ثابت می‌کند؛ یعنی چون خدا عادل است، باید قیامتی باشد تا داد ستم‌دیده را از ستمگر بستاند

و نیکان را پاداش نیک و بدان را به سزای بدیشان برساند.
 آنگاه به اهمّیت ایمان پرداخته و سپس به مزاحم قوی آن که هوای
 نفس باشد، اشاره می‌کند و برای مبارزه با نفس، خشوع برای حق و روزه
 و شب زنده داری را طبق روایت رسیده، توصیه می‌نماید.

خلاصه‌ای از محتوای کتاب صلاة الخاشعین

فصلت اول: این قسمت، از مقدمه شروع می‌شود و از فضیلت
 و اهمّیت نماز سخن می‌گوید. «نماز» را برترین کارها و سبب تقرّب به
 حق و موجب خاموش کردن آتش گناهان می‌شمارد و طبق روایتی، آن
 را برتر از حج، عمره و نوشتن سوره آخرت می‌داند.

آنگاه به حکم عقل سلیم و آیت و اخبار، نماز مؤثر در قرب حق
 و رستگاری را مشروط به حضور قلب و داشتن شرایط و برطرف نمودن
 موانع می‌داند.

آنگاه در بیان موانع قبولی نماز بر آنچه نیز انسان مهم است تکیه
 می‌کند؛ به این ترتیب که هر چه آدمی به آن اهمّیت می‌دهد، توجهش
 حتی در نماز نیز به آن معطوف می‌گردد و نمی‌گذارد آن طوری که
 سزاوار است با خدای خود راز و نیاز نماید.

«غفلت» را از موانع نماز می‌شمارد که به راستی مزاحم ترقّی مؤمن
 است و نماز را چاره این درد می‌داند.

سپس با بیانی رسا فرق بین شرایط صحت و شرایط قبولی نماز را
 عنوان می‌کند و خواننده را به تحصیل حضور قلب تشویق می‌کند به این

ترتیب که شرایطش را ایجاد و موانعش را دفع نماید.

قسمت دوم: در این قسمت، مراد از حضور قلب در عبادات و چگونگی تحصیل آن را می‌پرورانند و می‌رسانند که: مقصود از قلب، همان روح، نفس و مجردات است که باید ترکیه شود تا به برکت پیدا شدن سنخیت از عالم ملکوت بهره بیشتری ببرد و مراد از حضور را توجه به گنجه‌ها و افعال نماز و خالی کردن فکر از غیر آنچه در اوست می‌داند و مخصوصاً بر مهم شمردن نماز تکیه می‌نماید.

اگر کسی دنیا را او مهمتر از آخرت باشد، به حضور قلب موفق نمی‌شود و از عبادات الهی نمی‌برد.

آنگاه دستوراتی برای قطع علاقه دنیا می‌دهد تا زمینه برای حضور قلب فراهم گردد.

برای نجات از پرتی حواس، دستگیری که راجع به طرز نماز خواندن و مستحبات آن رسیده باید رعایت شود. نظر چشم کنترل باشد و از حیث مکان نیز جای مناسب و نمازگزار نیز در حال خستگی و فشار جسمی نباشد و به‌طور کلی تذکر به این مطلب می‌دهد که هر سرگرم کننده از یاد خدا دشمن است و باید با او نبرد کرد.

قسمت سوم: در این قسمت، مقدمات نماز، افعال و اقوال آن را مورد نظر قرار می‌دهد. از طهارت ظاهری به طهارت باطنی توجه می‌دهد و از نجاسات باطنی، کبر، فخر، هوا را به منزله سگ، خوک و کافر می‌داند و حقد، حسد و عداوت را به منزله مردار و ظلم را به منزله خون و پیروی و میل به شهوات را به منزله بول و غایط و دنیا دوستی را به منزله شراب

دانسته، مظهر هر کدام را نیز مناسب خودش بیان می‌فرماید.

هنگام قیام به نماز، باید به یاد برپایی قیامت افتاد و به یاد ایستادن در محضر پروردگار برای پس دادن حساب.

باید نمازگزار متوجه باشد با چه کسی سخن می‌گوید؟ و از چه کسی حاجت می‌طلبد؟ عظمت خدا را هنگام تکبیر، ملتفت باشد و جز خدا را در حب حق، کوچک شمارد و گرنه از شیرینی یاد خدا محروم و از جوار تربش محجوب خواهد بود.

پیش از شروع به خواندن حمد، نمازگزار باید از شرّ شیطان به خدا پناه ببرد تا او را از راه‌ها کند؛ ولی شرط استعاذه با حقیقت همراه بودن است نه زبان تنها؛ از باب راه‌های ورود شیطان را نیز ببندد و اساس راه‌های ورود شیطان را در نهی و انقباض می‌داند.

سپس با شروع به حمد، توجه به رحمت و رحمانیه و رحیمیه حق را ضروری دانسته آنگاه خدای را بر همه نعمت‌هایش سپاس می‌گوید؛ نعمتهایی که از رحمتش همان رحمت بی‌پایانش رچشمه می‌گیرد؛ الطافی که از رحمت رحمانی‌اش در این جهان ظهور یافته و با هر کس هر چه لازم داشته، عنایت فرموده است و نعمتهای باطنی و معنوی‌اش که در هدایت خاصش خلاصه می‌شود و همان رحمت رحیمیه‌اش می‌باشد.

همچنین از یادآوری رحمتش امیدوار می‌گردد و با تذکر به روز جزا و عظمت حق در آن روز (مالک یوم الدین) خائف می‌شود و با ادراک عجز خود در برابر عظمت حق، شرط بندگی را به جای آورده اظهار می‌دارد: «تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو یاری می‌جوییم».

بزرگترین نعمتی که از تو می‌خواهیم، دوام و پایداری بر راه راست توحید و یکتاپرستی است؛ راه آنان که بر ایشان نعمت را مستدام داشتی از پیغمبران، صدیقان، شهیدان و صالحان نه چون یهود که بر آنان خشم کرده شده و نه چون نصاری که در وادی ضلالت افتادند و برای خدا شکرگزار قابل شدند.

پس از مختصری از شرح سوره توحید، به افعال نماز و بیان حقایق در آن مشغول می‌شود و راستی چه بیانات جالبی درباره رکوع، سجود و تشهد دارد و به نکاتی را یادآور می‌شود؛ مثلاً هنگام رفتن به سجده و سر برداشتن، متذکر آن و آخر خودش باشد که از خاک آفریده شده و به خاک نیز بر می‌گردد پس از خاک نیز برانگیخته خواهد شد.

قسمت چهارم: در این قسمت، تعظیم حق را در بنده دانستن خود دانسته رجا، خوف و همچنین حیا را با قبولی نماز، شرط می‌داند.

برای بیان موانع نماز، حدیث معمر از رسول خدا ﷺ را عنوان می‌کند و از غیبت، ریا، تکبر، عجب، حسد، قسوت و در آخر اراده شهرت داشتن به عمل را از موانع قبولی نماز می‌شمارد.

در خاتمه، مختصری از برنامه تہذیب و تزکیه را به عنوان طریق نجات یاد می‌کند و برای اغنیا، کسبه و دیگران توصیه می‌کند حتماً اوقات شبانه روز خود را طبق برنامه‌ای تقسیم نمایند تا بهره کافی از این سرمایه خدادادی ببرند.

روانش شاد و یادش گرمی باد که چگونه خداوند او را موفق داشت از عمرش بهره ببرد و آثار باقی از خودش به یادگار بگذارد. باشد که ما

هم راهش را ادامه دهیم و از خداوند، توفیق بهره برداری از این عمر
زودگذر را بخواهیم. اللهم وفقنا لما تحب وترضى وجنبنا عمالا تحب
بمنه وكرمه.

شیراز - سید محمد هاشم دستغیب

۱۵ شعبان ۱۴۰۲ میلاد مسعود ولی عصر (عج)

مطابق با: ۱۸/۳/۱۳۶۱ ه. ش.

www.ketab.ir

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۶	● پیشگفتار
۷	✦ برترین مقرّبها و لزوم سحابت آن
۸	✦ اهتمام علی <small>علیه السلام</small> به نماز اول وقت در صحن
۱۰	✦ وادار کردن کودکان به نماز
۱۱	✦ تهدیدهای سهمگین برای ضایع کردن نماز
۱۳	✦ جایگاه خشوع قلب در نماز
۱۴	✦ کیفیت اقامه نماز از دیدگاه رسول خدا <small>صلی الله علیه و آله</small>
۱۶	✦ مؤلف بزرگوار و کتاب صلاة الخاشعین
۱۷	✦ مخالفت رژیم پهلوی با چاپ کتاب صلاة الخاشعین
۱۸	✦ تجدید چاپ صلاة الخاشعین پس از شهادت مؤلف
۱۹	✦ اصلاحات جزئی در کتاب صلاة الخاشعین
۱۹	✦ تحلیلی مختصر از مطالب کتاب صلاة الخاشعین

- ۲۱ خلاصه‌ای از محتوای کتاب صلاة الخاشعين
- ۲۶ ● مقدمه مؤلف
- ۲۶ محتوای کتاب صلاة الخاشعين
- ۲۷ اندک بودن طالبان حق
- ۲۸ تکرار برای عمل است نه یأس
- ۳۰ طلب امر و ترک برای مؤلف
- ۳۱ کمال هر مومنی در سبب آفرینش اوست
- ۳۲ نقصان آدمیت بر اثر غفلت
- ۳۳ خودشناسی عامل خداشناسی
- ۳۳ لزوم اندیشه در مبدأ آفرینش
- ۳۴ از مخلوق پی به خالق بودن
- ۳۵ محتاج بودن انسان
- ۳۵ خداوند و فراهم کردن اسباب سعادت روح
- ۳۷ قرآن معجزه ابدی برای دین سرمدی
- ۳۷ معجزه بودن قرآن در فصاحت و بلاغت
- ۳۸ برخی از اخبار غیبی قرآن
- ۳۹ معجزه بودن قرآن در علوم اولین و آخرین
- ۳۹ لزوم اعتقاد به امام و توسل به ولی عصر علیه السلام
- ۴۰ معنای عدل
- ۴۱ انکار معاد یعنی تکذیب همه ادیان و پیغمبران

- ۴۲ ✨ پرورش بذر ایمان با آب عبادت
- ۴۲ ✨ هوای نفس؛ سخت‌ترین حجاب
- ۴۳ ✨ نماز بهترین کارها پس از معرفت
- ۴۴ ✨ سجده کردن بسیار و داخل شدن به بهشت
- ۴۵ ✨ بهتر بودن نماز واجب از حج و صدقه
- ۴۶ ✨ پرهیز از غفلت در نماز
- ۴۸ ● مطلب اول: لزوم حضور قلب در نماز
- ۴۹ ✨ پرهیز از بازی و خام‌غفلت و مستی
- ۵۰ ✨ پذیرفته شدن نماز به اندازه حضور قلب
- ۵۱ ✨ سخنی از امام صادق علیه السلام درباره نذرش نماز
- ۵۱ ✨ تقوای قلب مطلوب است نه صورت
- ۵۳ ✨ دنیا دوستی نتیجه غفلت از منزل آخرت
- ۵۴ ✨ لزوم دوست داشتن وطن آخرت
- ۵۵ ✨ نماز چاره بیماری غفلت
- ۵۶ ✨ دام شیطان برای نمازگزار
- ۵۶ ✨ شرایط کمال برای نتیجه گرفتن از عبادات
- ۵۹ ● مطلب دوم: حضور قلب در عبادات و کیفیت تحصیل آن
- ۶۰ ✨ محال بودن شناختن روح
- ۶۰ ✨ تصفیه نفس و کمال انسان
- ۶۱ ✨ معنای دیگر برای قلب

- ۶۳ کیفیت تحصیل حضور قلب
- ۶۴ سخنی از حضرت عیسی علیه السلام پیرامون دنیا دوستان
- ۶۵ مذموم بودن دنیا دوستی
- ۶۶ گمراه‌نمایی برای دل‌کنندگان از دنیا
- ۶۷ سبب عدم حضور قلب در نماز
- ۶۸ دستوراتی برای آخرت طلبان
- ۶۸ موانع داخلی و خارجی حضور قلب
- ۷۰ شدت موانع داخلی از خارجی
- ۷۰ لزوم همت داشتن، امور خجسته
- ۷۱ ابوطلحه و صدقه دادن بسبب بی‌توجهی حواس پرتی در نماز
- ۷۲ تلاش برای برطرف کردن موانع حضور قلب
- ۷۳ ● مطلب سوم: معانی افعال، اقوال و مقدمات نماز
- ۷۴ زیانبارتر بودن گناهان قلبی
- ۷۵ تشابه نجاسات باطنی به نجاسات ظاهری
- ۷۵ حسد، عداوت از نجاسات باطنی
- ۷۶ ظلم از نجاسات باطنی
- ۷۷ حب دنیا و غفلت از یاد حق از نجاسات باطنی
- ۷۷ ذکر مرگ و قیامت مطهر حب دنیا
- ۷۸ لزوم برطرف کردن موانع
- ۷۹ قبايح باطنی را هم بپوشانید

- ۸۰ بهترین کارها در بهترین جاها
- ۸۲ هنگام نماز، هنگام بندگی
- ۸۳ زرد شدن رخسار امام سجاد علیه السلام هنگام وضو
- ۸۳ به یاد آوردن عظمت خدا هنگام تکبیر
- ۸۴ روی دل در برابر حق تعالی
- ۸۴ توجه به است و چپ، نشانه عدم حضور قلب
- ۸۵ بنده عزیز پا در برابر مولا
- ۸۷ توجه به عظمت حق پیش از تکبیر
- ۸۸ عظمت ملک الموت / جان گرفتار
- ۸۹ لزوم یکی بودن زبان با سب
- ۸۹ من نکردم خلق تا سودی برم
- ۹۰ استعاذه پیش از قرائت
- ۹۱ بی خاصیت بودن گفتار بی کردار
- ۹۱ شهوت و غضب، راههای ورود شیطان
- ۹۳ یاری جستن از حق
- ۹۴ بزرگی قیامت و صاحب آن روز
- ۹۵ ظهور عظمت خدا در قیامت
- ۹۵ مطلوب بودن گریستن هنگام خواندن قرآن
- ۹۶ تنها تو را می پرستیم و از تو یاری می جوئیم
- ۹۷ دوام هدایت، مهمترین نیاز

- ۹۹..... تأکید بسیار در خواندن سوره توحید
- ۹۹..... معانی گوناگون برای صمد
- ۱۰۰..... خداوند، نزاید و زاییده هم نشده
- ۱۰۱..... اظهار کردن عظمت خداوند با رکوع
- ۱۰۲..... شرح مطلب
- ۱۰۲..... تکرار ذکر خشوع در رکوع
- ۱۰۳..... نمونه‌ای از ساز اهدان
- ۱۰۴..... ترحم مادر بر فرزند خود ربيع بن خثیم
- ۱۰۵..... سجده بالاترین خصلت
- ۱۰۷..... مؤثر بودن سجده به روی خاک
- ۱۰۹..... طول دادن سجده و استحباب تکرار آن
- ۱۱۱..... چرا دوبار سجده می‌کنیم؟
- ۱۱۱..... ده صلوات پیغمبر ﷺ بر صلوات فرستنده
- ۱۱۲..... همراه کردن درود بر پیغمبر با نماز برای حق
- ۱۱۳..... لزوم متوجه مخاطب بودن در سلام نماز
- ۱۱۳..... سلام، ایمنی از بلای دنیا و عذاب آخرت
- ۱۱۴..... اهمیت دادن به تعقیب نماز
- ۱۱۵..... تسبیح، دعا، قرآن و استغفار پس از نماز صبح
- ۱۱۷..... سجده‌های طولانی حضرت موسی بن جعفر
- ۱۱۸..... ● مطلب چهارم: معانی باطنی نماز

- ☆ ۱۱۸ حضور قلب
- ☆ ۱۱۸ فهمیدن معانی نماز
- ☆ ۱۱۹ تعظیم
- ☆ ۱۱۹ چهارم: هیبت، نتیجه شناختن قدرت
- ☆ ۱۲۰ پنجم: رجا، در اثر یقین به وفای حق
- ☆ ۱۲۱ ششم: حیه، نتیجه علم به عظمت و غنای حق
- ☆ ۱۲۲ مابع قبولی نماز
- ۱- بزرگ دید عمل ۱۲۲
- ۲- معصیت و گناه ۱۲۲
- ☆ ۱۲۳ حدیث معاذ و اتمام حجت عَلَيْهِ السَّلَامُ
- خاتمه: سلوک الی الله سبب نجات از خطرات دنیا
- ☆ و آخرت ۱۲۵
- ☆ از بین بردن خشم و هوا به وسیله تقوا ۱۲۶
- ☆ سرپیچی از شرع و تنزل به رتبه حیوانیت ۱۲۷
- ☆ حسادت، نتیجه هوا و غضب ۱۲۷
- ☆ تشابه گفتار انبیاء عَلَيْهِمُ السَّلَامُ و اطباء ۱۲۸
- ☆ لزوم مواظبت قلب و جوارح در هر حال ۱۲۹
- ☆ اهتمام به استغفار در سحرگاهان ۱۳۱
- ☆ لزوم رعایت آداب خوراک ۱۳۱
- ☆ تحصیل علم آخرتی، بهترین کارها ۱۳۲

- ۱۳۳..... ❦ لزوم استفاده صحیح از ثروت
- ۱۳۴..... ❦ روایتی جالب درباره کیفیت استفاده از مال
- ۱۳۴..... ❦ آفات ده گانه مال و جاه دنیا
- ۱۳۷..... ❦ خواص مثبت مال و جاه دنیا
- ۱۳۹..... ❦ سخن پیامبر اکرم ﷺ درباره تاجر درستکار
- ۱۴۰..... ❦ لزوم اسان گسستن و سوگند نخوردن در معامله
- ۱۴۰..... ❦ کس نیارد زین م پیش فرست
- ۱۴۱..... ❦ لزوم وصیت به خیر و سلوک شرع
- ۱۴۱..... ❦ اصلاح نیت در اهل خرد و صنعت
- ۱۴۲..... ❦ اندرزهایی برای اهل کسب و تجارت
- ۱۴۲..... ❦ سخن رسول خدا ﷺ درباره غش در معامله
- ۱۴۳..... ❦ هیزم گن زحمتکش همنشین داوود پیغمبر ﷺ
- ۱۴۴..... ❦ مال حلال بهترین مالها
- ۱۴۵..... ❦ حالات متفاوت انسان در حق دین
- ۱۴۵..... ❦ رفتار انسان نسبت به دیگران
- ۱۴۶..... ❦ اهتمام به نماز ظهر و جماعت
- ۱۴۷..... ❦ آثار خواندن آخرین آیه سوره کهف
- ۱۴۸..... ❦ نیت عبادت هنگام خواب
- ۱۴۸..... ❦ عاقبت نیک برای مجاهدان با هوای نفس
- ۱۴۹..... ❦ لزوم جبران سستی نفس با تذکرات

- ۱۵۰ راه قرب در پیروی از اهل بیت علیهم السلام
- ۱۵۱ تشرف عنوان بصری خدمت امام صادق علیه السلام
- ۱۵۴ برتری جویی در زمین نشانه بقای جهل
- ۱۵۵ توصیه های امام صادق علیه السلام به عنوان بصری
- ۱۵۶ معنای ریاضت نفس
- ۱۵۶ سخنی ارزشمند از یک بزرگ
- ۱۵۷ دنباله توصیه های امام صادق علیه السلام به عنوان بصری
- ۱۵۹ فهرست منابع و مآخذ
- ۱۶۳ فهرست مطالب